

درس صد و یکم – نگاهی به beinahe در زبان آلمانی

سلام دوستان در این درس می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به beinahe در زبان آلمانی ، شاید خواسته باشید که جملات اینگونه در زبان آلمانی بیان کنید : نزدیک بود تصادف کنم ، چیزی نمانده بود بزنم به یک درخت ، نزدیک بود بخورم زمین و ...

این جملات را با استفاده از beinahe می توانیم بسازیم

beinahe یک قید می باشد

که می تواند معانی : تقریباً ، قریب ، را نیز به همراه داشته باشد

“Heute hätte ich beinahe einen Unfall gehabt, aber zum Glück konnte ich noch bremsen“

نزدیک بود امروز یک تصادف برام پیش بیاید ، ولی خوشبختانه توانستم ترمز بگیرم

در فرهنگ لغت آلمانی به آلمانی beinahe را همانند بالا ، تقریباً و قریب ترجمه کرده است یعنی برابر دانسته با fast که می تواند در زبان آلمانی درست باشد ، اما کاربرد آن در فارسی همانند تقریباً نمی تواند باشد و بیشتر شبیه مثال های بالاست :
نزدیک بود تصادف کنیم و چیزی نمانده بود تصادف کنیم و ...

نکته مهم : هرگاه beinahe را در جملات استفاده میکنیم ، فعل کمکی جمله می بایستی در حالت Konjunktiv 2 برود و آنگاه فعل اصلی نیز به زمان گذشته کامل ، در واقع می تواند اینگونه برداشت کرد که beinahe یک قید است که مجبور میکند جمله به گذشته کامل در زمان Konjunktiv 2 برود

<http://de.alemani.de/wp-content/uploads/2017/07/beinahe.mp3>

برای درک بیشتر به مثال های زیر توجه کنید :

Beinahe hätten wir einen Unfall gehabt

نزدیک بود که ما تصادف کنیم

احتمالش هم بود که تصادف کنیم ، بنابراین چون وضعیت پنجاه به پنجاه است ، بخش واقعیت (آنجایی که تصادف نکرده ایم) و بخشی توهم یا خیال (آنجایی که مثلا تصادف می‌کردیم) به همین دلیل است که آنرا در تفکر آلمانی به زمان Konjunktiv 2 می‌بریم و از آنجایی که اتفاقی است که در گذشته رخ داده است ، پس جمله را در گذشته کامل Konjunktiv 2 بیان می‌کنیم.

نکته : ما می‌توانیم beinahe را نیز در ابتدای جمله به کار ببریم و سپس بعد از آن فعل کمکی جمله را بیاوریم همانند مثال بالا یا اینکه آنرا بعد از فعل کمکی در وسط جمله بیاوریم ، در هر دو حالت جمله از نظر دستور زبانی صحیح است.

چند مثال دیگر :

Sie wäre beinahe von einem Fuhrwerk überfahren

او نزدیک بود که توسط یک گاری زیر گرفته شود.

فعل überfahren در گذشته کامل با صرف sein ساخته می‌شود و میدانیم که Konjunktiv 2 فعل sein می‌شود wären

Er wäre beinahe verunglückt

او نزدیک بود بر اثر یک سانحه زخمی شود یا بر اثر یک سانحه بمیرد

فعل verunglücken این تصویر را به ما میدهد که کسی تصادف کند و بر اثر آن تصادف یا شدیداً زخمی شود یا اینکه بر اثر زخم‌های وارد شده ، بمیرد.

Er wäre beinahe mit dem Auto zusammengestoßen

او نزدیک بود که با ماشین تصادف کند

در اینجا فعل zusammenstoßen این برداشت را میدهد که انگار دو ماشین با یکدیگر برخورد کنند ، مانند اینکه در فارسی گفته شود : او نزدیک بود با ماشین رو به روی شاخ به شاخ بشود

Beinahe wäre ich gefallen. Gut, dass Du mich aufgefangen hast

نزدیک بود که بیافتم ، چه خوب که تو منرا گرفتی

در مورد فعل **auffangen** این برداشت را به ما میدهد که انگار تو به صورت ناخواسته و کاملاً اتفاقی منرا گرفتی ، همانند اینکه در فارسی گفته شود : چه خوب که یهویی منرا گرفته یا به صورت اتفاقی و ناگهانی متوجه افتادن من شدی و منرا روی هوا قاب زدی (گرفتی)

چنانچه شما نیز در ارتباط با این درس ، سوال ، مثال یا پیشنهادی دارید ، می توانید آنرا در بخش نظرات همین درس درج کنید.

موفق باشید.

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de